

## ● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

# سخنرانی وزیر امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران در همایش "همکاری‌های ایرانی - عربی"

شاهد استمرار این‌گونه جلسات که شدیداً نیاز  
آن احساس می‌شود باشیم و در نهایت بتوانیم  
فرهنگ «گفت و گو» و همفکری را در بین خود  
نهادینه سازیم.

حضار محترم،  
به خوبی مستحضرد که جامعه‌ی  
بشری در آستانه‌ی ورود به دورانی نوین از تاریخ  
خود، تحولات پرشتاب و همه‌جانبه‌یی را  
پشت‌سر می‌گذارد. آثار و تبعات این تحولات،  
دنیایی جدید با شرایطی پیچیده و پرتضاد را  
فراروی ما قرار داده است. شرایطی که از یک‌سو  
تهدیدهایی نگران‌کننده را موجب می‌شود و از  
سوی دیگر فرصت‌هایی گران‌بها را در پیش روی  
ما قرار می‌دهد. در جهان امروز مفاهیمی چون  
حاکمیت ملی، امنیت ملی، امنیت و سیاست

عالی‌جنابان،  
میهمانان گرامی،  
خانم‌ها و آقایان،  
جای خوشوقتی بسیار است که در  
جمع شما اساتید و محققین محترم حضور دارم.  
پیش از هر چیزی، لازم می‌دانم از ابتکار مشترک  
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی از جمهوری  
اسلامی ایران و مجمع اندیشه‌ی عربی از کشور  
دوست و برادر اردن، در برپایی این همایش بین  
اندیشمندان ایرانی و عرب تشکر و قدردانی  
نمایم. تردیدی نیست که این‌گونه تعاملات  
فکری و نظری به افزایش شناخت و فهم متقابل  
بین کشورهای عربی و ایران کمک شایانی  
خواهد نمود. امیدوارم با همکاری و مشارکت  
سایر مؤسسات مطالعاتی در کشورهای عربی

بازیگران عمده در صحنه‌ی بین‌المللی، حضور مؤثر کشورهای جهان سوم و به ویژه کشورهای اسلامی در روند تحولات بین‌المللی را بر نمی‌تابد. ایجاد اختلاف و نزاع‌های مصنوعی از اصلی‌ترین شگردها برای دورنگاه‌داشتن کشورهای جهان سوم از روند تحولات و مشغول کردن آنها به خود است. هم‌زمان، دستگاه تبلیغاتی این قدرت‌ها، تغییرات نظام بین‌الملل را امری جبری تصویر می‌کند که به دست قدرت‌های عمده صورت خواهد گرفت و بقیه‌ی کشورها چاره‌ی جز پیروی و انقیاد ندارند.

به اعتقاد این‌جانب، برای ملل جهان سوم گریزی نیست جز آن که با حضور و مشارکت تأثیرگذار و سازنده‌ی خود در عرصه‌های بین‌المللی، مسیر تحولات را در جهت منافع مشروع خویش دگرگون سازند. کشورهای جهان سوم باید در نظام آتی بین‌الملل، جایگاه شایسته و بایسته‌ی خود را داشته باشند و هرگونه غفلت از این امر موجب خسارات جبران‌ناپذیر برای آنان خواهد شد.

خوشبختانه کشورهای جهان سوم از ظرفیت‌های بالقوه ارزشمندی برخوردار هستند

بین‌الملل، قدرت، مداخله و حتی جنگ و ستیز در حال از دست‌دادن معنای کلاسیک خود هستند و تلقی و برداشت جدیدی از آنها در حال ظهور و بروز است. مباحث جهانی نیز دستخوش تغییر و تحولات عمده شده و مسایل جدیدی هم‌چون جهانی‌شدن، محیط زیست، حقوق بشر، خلع سلاح، مواد مخدر و غیره به آنها اضافه شده‌اند و بالاخره نهادهای جدیدی نیز هم‌چون سازمان تجارت جهانی، دادگاه کیفری بین‌المللی و یا کنوانسیون‌های مربوط به نظارت و بازرسی به ویژه در امر تسلیحات و شاید از همه مهم‌تر سازمان‌های غیردولتی (NGO) به منصفی ظهور رسیده‌اند که به تدریج نقش تعیین‌کننده‌ی در روابط بین‌الملل پیدا کرده و خود را به عنوان بازیگران جدید دز عرصه‌ی بین‌المللی تحمیل می‌نمایند.

همان‌گونه که اشاره کردم این تحولات عظیم-که تنها گوشه‌ی کوچکی از آنها ذکر شد- برای ملل جهان به‌طور بالقوه هم تهدید است و هم فرصت. تردید ندارم که هرگونه غفلت از درک صحیح این تحولات، موجب فزونی تهدیدها و از دست‌رفتن فرصت‌ها خواهد شد. متأسفانه منافع مادی قدرت‌های بزرگ و

خانم‌ها و آقایان،

منطقه‌ی خاورمیانه به‌عنوان یکی از حساس‌ترین مناطق جهان و با در اختیار داشتن نبض انرژی جهان، یکی از مناطقی است که همواره مَدَنظر قدرت‌های بزرگ و متأثر از سیاست‌های آنان بوده است. قدرت‌های استعماری در دوره‌های مختلف با اهداف متفاوت، خواهان حفظ کنترل خود بر این منطقه‌ی راهبردی جهانی بوده‌اند، زمانی به علت حایل بودن بین قدرت‌ها، زمانی به علت دارا بودن نفت و زمانی برای حفظ منافع نامشروع رژیم صهیونیستی در این منطقه. این قدرت‌ها برای رسیدن به اهداف خود از ابزارهای متفاوتی بهره گرفته‌اند که شاید مهم‌ترین این ابزارها، ایجاد، گسترش و تعمیق اختلاف‌ها در زمینه‌های مختلف بوده است: اختلاف‌های قومی بین عرب، ترک، کرد، ایرانی و غیره؛ اختلاف‌های دینی بین مسلمان، مسیحی، یهودی؛ اختلاف‌های مذهبی به خصوص بین شیعه و سنی؛ اختلاف‌های ارضی و مرزی بین کشورهای منطقه؛ اختلاف‌های طبایفه‌ی بین قسبایل و طبایفه‌های مختلف و بالاخره اختلاف‌های عقیدتی بین مرام‌های مختلف که

و این را در نهضت‌های متعدد خود در طول تاریخ معاصر به اثبات رسانیده‌اند. رهایی از بند استعمار، ملی‌کردن ثروت‌های خدادادی، تشکیل نهضت عدم‌تعهد یا سازمان کنفرانس اسلامی، مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و نیز انقلاب غلبه رژیم‌های وابسته از جمله موارد فعلیت یافتن ظرفیت‌های این کشورها بوده است. این امر به ویژه در مورد کشورهای اسلامی که مستظهر به پشتوانه‌هایی هم‌چون اصول و ارزش‌های مستحکم دین خود، جمعیت انسانی مؤمن و فداکار، ذخایر ارزشمند مادی و اقتصادی، و فرهنگ و اخلاق غنی و متعالی هستند نیز صادق است. جهان اسلام هم‌چنین برخوردار از رهبران حق‌طلب، اندیشمند و فرهیخته‌یی بوده است که برای رسیدن به صلح و عدالت همواره مبارزه و پایمردی کرده‌اند. قدر این نعمات الهی را باید شناخت. ما چاره‌یی نداریم جز این که با پرهیز از اختلاف‌ها و جدایی‌ها و با بسیج همه‌ی امکانات به مقابله با چالش‌های بزرگ دنیای معاصر پرداخته و منافع جمعی خود را تأمین نماییم که در غیر این صورت خسران جمعی نصیب همه‌ی ما خواهد شد.

اگر کمی جرأت کنند به صراحت اسلام را عامل واپس‌گرایی و عقب‌ماندگی ذکر می‌کنند، بعضی دیگر به خصوصیت شرقی بودن این جوامع اشاره می‌کنند و برخی دیگر ساختارهای اجتماعی را مقصر می‌دانند و همه‌ی اینها نیست مگر برای تبری‌ی استعمار و سیاست‌های استعماری قدرت‌های بیگانه.

حضار محترم،

اختلاف‌های گذشته میان ایران و جهان عرب نیز از همین منظر قابل تبیین است. این‌جانب منکر اشتباه‌ها یا سوءتفاهم‌ها نیستم ولی باز هم دست بیگانه را در بزرگ‌نمایی اشتباه‌ها و گسترش و تعمیق سوءتفاهم‌ها و سوءظن‌ها دخیل می‌دانم. به باور این‌جانب در عصر نوین، ما نیازمند تعریف هویتی جدید از مجموع هویت‌های پیشین ایرانی و عربی هستیم. هویتی که بتواند منافع و تهدیدهای ما را حداقل در چارچوب منطقه‌ای تعریف نماید. مطلعید که در نظریه‌های جدید منطقه‌گرایی، علاوه بر همکاری‌های اقتصادی، همکاری‌های سیاسی و فرهنگی نیز مدنظر قرار می‌گیرند. لذا تعیین هویت جدید منطقه‌ی نیازمند میل به همگرایی و همبستگی وسیع در همه‌ی

معمولاً به‌واسطه‌ی احزاب و گروه‌های دست‌پرونده‌ی کشورهای بیگانه صورت گرفته و یا ناشی از ایدئولوژی‌های وارداتی نامأنوس با اصول دینی و فرهنگی ملت‌های منطقه بوده است. در حضور شما اندیشمندان محترم خود را بی‌نیاز از ذکر مصایب و مشکلات و جنگ‌های خانمانسوزی که مردم خاورمیانه در اثر همین سیاست‌ها تحمل کرده‌اند می‌دانم.

سیاست‌های فوق هم‌چنین دولت‌های منطقه را به دولت‌هایی تبدیل نموده است که توان ملی و بالفعل حایز اهمیتی برای پیشرفت و توسعه ندارند. در دنیایی که اولویت‌های سیاسی- امنیتی جای خود را به اولویت‌های اقتصادی- اجتماعی سپرده است، هنوز کشورهای خاورمیانه از حل مشکلات امنیتی خود عاجز بوده و ثروت‌هایی که باید برای رشد و توسعه‌ی ملت‌ها به کار گرفته شود، متأسفانه مصروف رقابت‌های تسلیحاتی و از آن بدتر درگیری و ستیز مسلحانه می‌گردد. مضحک آن که بسیاری از نظریه‌پردازان غربی محور مشکلات را در خصوصیت خود این جوامع قلمداد می‌کنند. بعضی خصوصیت دینی این جوامع را مانع رشد و شکوفایی آنها می‌دانند و

اثبات رسیده است. سیاست تشنج‌زدایی، گام نخست برای نیل به اعتماد منطقه‌یی است، اعتمادی که حلقه‌ی مفقوده در روابط بین کشورهای خاورمیانه و به خصوص در روابط ایران و کشورهای عربی به شمار می‌رود. اطمینان دارم که از بین‌بردن عوامل تنش و نگرانی و گسترش باب گفت و گو و تفاهم، زمینه‌ی پشت‌سر‌گذاردن اختلاف‌های گذشته و بنای دوباره‌ی اعتماد در منطقه‌ی حساس و پیچیده خاورمیانه را برقرار می‌کند.

بدیهی است که تبیین هویت منطقه‌یی و نیل به همکاری‌های منطقه‌یی به معنای استقلال از دیگر مناطق جهان به ویژه در ابعاد اقتصادی نیست. جهان امروزه در روند جهانی‌شدن قرار گرفته است و به نظر ما منطقه‌گرایی برخلاف جریان جهانی‌شدن و در مقابل آن نیست. ما معتقدیم ملت‌هایی که بتوانند تعاریف خود را از سطوح ملی به منطقه‌یی ترفیع بخشند، می‌توانند به هویتی جهانی نیز دست یابند، لذا با وجود تأکید بر پیدایش هویت منطقه‌یی، بر گفت و گوی میان تمدن‌ها به‌عنوان شاخصی برای یافتن هویت جهانی نیز تأکید داریم.

عرصه‌هاست. جای خوشوقتی است که برگزاری موفق اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران ظلیعه‌ی امیدبخشی از آینده‌یی روشن در همکاری و گفت و گو میان کشورهای اسلامی به خصوص ایران و کشورهای عربی بود. برای رسیدن به نتایج مطلوب، باید این گفت و گوها استمرار یافته و زمینه‌ی درک متقابل و اعتمادسازی بیش از گذشته فراهم شود. خانم‌ها و آقایان،

مبنای اصلی هرگونه تغییر و تحول، اراده‌ی سیاسی ملت‌هاست. کشورهای جهان سوم دارای اراده‌ی سیاسی برای تغییر هستند ولی متأسفانه این اراده‌ی سیاسی معمولاً مقطعی است و با رسیدن به حداقل اهداف زایل می‌گردد. این‌جانب با اطمینان می‌گویم که ملت ایران تصمیم سیاسی خود را در عرصه‌ی منطقه‌یی و بین‌المللی برای دست‌یابی به جایگاه شایسته‌ی خود در جهانی مبتنی بر صلح پایدار و عادلانه گرفته است. سیاست تشنج‌زدایی، اعتمادسازی، گفت و گو و ترویج روح همکاری، تفاهم و برادری در منطقه از اولویت‌های سیاست خارجی ایران می‌باشد که در عمل نیز به

واحدهای متنوع تمدنی ارتباطی اصیل فارغ از سوءظن‌ها و پیش‌داوری‌های ناروا داشته باشد. در پایان، فرصت را مغتنم شمرده با تشکر مجدد از برگزارکنندگان این همایش، آرزوی موفقیت برای همه‌ی شما شرکت‌کنندگان محترم دارم و امیدوارم در مباحث خود به نتایج ملموس و عملی برای گسترش روح تفاهم و همکاری در بین امت اسلامی و به خصوص ایرانیان و اعراب دست یابید.

در نظریه‌ی گفت و گوی تمدنی که به تکرر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها قایل است، فرهنگ و فضیلت، نه قدرت و ثروت، نقش محوری ایفا می‌کنند. در این دیدگاه طرف‌های گفت و گو از موضعی برابر با کمک از عقل و اخلاق به نقد و نظر می‌پردازند و از طریق گفت و گو، ضمن احترام به استقلال یک‌دیگر به ارتباط سازنده و مثبتی با یک‌دیگر دست می‌یابند. بنابراین منطق گفت‌وگو نه با خودکامگی و استیلا موافق است نه با جدایی و انزوا، بلکه می‌خواهد با

